

از اینکه امشب در برنامه ی یادبود هالوکاست که برای نخستین بار توسط جامعه ایرانیان یهودی در لوس آنجلس برگزار شده شرکت کرده ام، عمیقا مفتخرم و تحت تاثیر قرار گرفته ام.

اینکه همه ی ما، نه تنها به عنوان فردی از جامعه ی خود، یهودی رفرم، کنسرواتو، ارتودوکس، اشکنازی، سفارادی، ایرانی، یهودی و یا غیر یهودی، بلکه به عنوان یک انسان گرد هم آمده ایم، بسیار تکان دهنده و خوشحال کننده است. ما اینجا هستیم تا از هالوکاست درس هایی بیاموزیم و به امید دنیایی بهتر به آینده چشم بدوزیم.

از فدراسیون یهودیان ایرانی، ریاست آن خانم شهلا جاودان و آقای مایک نظریان ریاست هیئت امنای فدراسیون و خانواده ایشان، دکتر آری بابک نیا و دوست عزیزم ربای واپی که اینجا حضور دارند بسیار سپاسگزارم. این پیامی بسیار قویست که همه ما گرد هم آمده ایم تا دو مسأله مهم هالوکاست و نقش ایران در هالوکاست را مورد بحث قرار دهیم.

امسال ما هفتادمین سالگرد آخرین سال جنگ، ماه می ۱۹۴۴، آخرین سال هالوکاست و درسهای تلخ آخرین روزها را بیاد می آوریم. زمانی که رژیم نازی همزمان با حمله ی متحدین و روسیه از غرب و شرق، در حال از هم پاشیدن بود، آلمان با انهدام و ضربه های نظامی بیشتر و بیشتر در جبهه های مختلف مواجه بود. با وجود این ماشین نابودی نازیها با تمام قدرت به کار خود ادامه می داد. سال ۱۹۴۴ یعنی ۷۰ سال پیش، سالی بود که آخرین یهودیان باقیمانده در یونان، ایتالیا، فرانسه، هلند، اسلواکی و آلمان بکام مرگ فرستاده می شدند. آخرین محله های باقی مانده از یهودیان، مثل "کونو" پاکسازی می شدند. در عین حال، همزمان گتوهای دیگری مثل «مینسک» آزاد شدند. پاریس و رم هم در غرب آزاد شدند.

همزمان با حمله های چشمگیر و سریع ارتش روسیه، نازیها نه تنها در فعالیتهای جنگی بلکه در عملیات نسل کشی حتی بیش از پیش می کوشیدند. مسیر ترنها را تغییر می دادند تا یهودیان بیشتری به آشویتس فرستاده شوند و سربازان خود را در جبهه های در حال سقوط بدون پشتیبانی و امکانات رها کرده بودند.

این اعمال مذبحخانه، روشن ترین نمونه از اهداف خودسرانه ی هیتلر برای رهایی دنیا از دست یهودیان است. و اینکه نابودی یهودیان نه یک وسیله برای رسیدن به یک هدف بلکه خود هدف بود که حتی به تضعیف فعالیت‌های جنگی آلمان منجر می شد. این سالهای آخر جنگ و یک مسابقه در جریان بود. مسابقه بر علیه زمان. چه کسی زودتر به یهودیان می رسید؟ آزادی یا نابودی؟ این داستانی بسیار بسیار غم انگیز بود، در حالیکه متحدین شروع به عقب راندن ماشین جنگی آلمان کرده بودند، برای بسیاری از یهودیان بخصوص مجارستان، کابوس تازه شروع شده بود. در مارچ ۱۹۴۴ مجارستان به اشغال آلمان در آمد. دو ماه بعد که ارتش روسیه حلقه ی محاصره را تنگتر می کرد، ترنها، نیم ملیون مجار یهودی را به آشویتس بردند و رود دانوب با خون یهودیان به رنگ قرمز در آمد.

کوشش نازی ها برای نابودی برنامه ریزی شده، تعمدی و صنعتی یک قوم از روی زمین به طور کامل در تاریخ بشریت سابقه ندارد.

اما در تمام این سیاهی ها، ما امشب اینجا هستیم تا در مورد موضوع دیگری صحبت کنیم. نقش ایران در هالوکاست. همانطور که می دانید حتی در آن دوران سیاه، سوسویی از امید و روشنایی به چشم می خورد. جایی که غیر یهودیان برای نجات یهودیان، نهایت کوشش خود را علیرغم امکان خطر و مشکلات شخصی به کار بردند.

یکی از این افراد، کنسول ایران در پاریس عبداحسین سرداری است. او را به عنوان شیندلر ایران می شناختند. به خاطر فداکاری و از خود گذشتی او، هزاران ایرانی و غیر ایرانی، یهودی و غیر یهودی در آن ماههای بحران جنگ، از مرگ نجات یافتند. او مسئول کنسولگری ایران در پاریس بود و صدها پاسپورت ایرانی برای یهودیان صادر کرد.

در زمانی که یهودیان اروپا در محله ها نگهداری می شدند، یهودیان ایران مدتی بود که از محله هایشان آزاد می شدند.

یک طنز تلخ تاریخی در تضاد آنچه بر سر یهودیان دنیا می آمد و آنچه بر ایرانیان یهودی می گذشت وجود دارد. ایران باید نقش های بسیار جالبی در تاریخ یهود و

تاریخ بشریت در قرن بیستم بازی می کرد. یکی، آزاد کردن یهودی ها از گتوها (محله) و دادن امکان برای ساختن سازمان ها، خانواده، فرهنگ و میراثی که امروز می شناسیم.

دیگری از طریق افرادی چون این دیپلمات در اروپا که به نجات یهودیان همت گماشت.

داستان سوم که ما امشب بیاد می آوریم، داستان بچه های تهران است. بچه های یتیمی از خانواده های از هم گسیخته، والدین خود را از دست داده و رانده شده توسط اکثر کشورهای دنیا که از جایی به جایی منتقل می شدند. اما با گذشت از پیچ و خم های دیپلماسی و سیاسی و نیت خیر مردم ایران و آژانس یهود، موسسه ای که قبل از تاسیس مجدد اسرائیل وجود داشت، بیش از هزار کودک یتیم لهستانی یهودی، در تهران پناهگاهی یافتند و مورد مراقبت قرار گرفتند. آنها در هم شکسته و گرسنه رسیدند. ایران پناه امن آنها بود. روح کوروش بزرگ در این سالها زنده بود و می درخشید.

بسیاری از این بچه های تهران در مدتی نه چندان طولانی موفق به رفتن به اسرائیل شدند و بسیاری از آنها در فعالیت های سالهای بحرانی تاسیس مجدد کشور اسرائیل شرکت داشتند و بعضی حتی در جنگ استقلال اسرائیل کشته شدند. داستان بچه های تهران باید درس مهمی به ما بیاموزد. ایران نقشی مهم در تاریخ ما و تاریخ بشریت بازی کرد. ما به جامعه ی ایرانی سپاس بسیار مدیونیم. کسانی که تازه از گتوها بیرون آمده بودند، بنیاد هایی را بر پا کردند که به کودکان پناه دادند و بعدها به کشور اسرائیل کمک کردند تا در نخستین سالها آنچه را که می بایست، به انجام برساند.

این شما بودید، پدران و مادران شما، پدربزرگ ها و مادربزرگ های شما بودند که این روابط را ایجاد نمودند و پرورش دادند و در آن سالها امکان چنین وقایعی را فراهم ساختند. این روابط به سیاستمداران امکان داد تا یهودیان را نجات دهند و به پناهندگان امکان داد تا پذیرفته شوند و وقایع بسیار دیگری را در آن سالها ممکن ساختند.

تراژدی اینجاست که وقتی رژیم امروز ایران، هالوکاست را انکار می کند، نه تنها

بر علیه خاطره ی قربانیان هالوکاست و آنهایی که نابود شدند؛ بلکه بر علیه سنت با ارزش و والای تاریخی ملت ایران هم مرتکب جنایت می شود. به خاطر انکار هالوکاست توسط رژیم فعلی ایران، بسیاری از مردم از این داستان ها اطلاعی ندارند و نمی دانند چگونه خودشان نقش ایران را در تاریخ بشری و نقش حساس ایران را در قرن بیستم پایمال می کنند.

ما هرگز درسهای هالوکاست را، درس های سال ۱۹۴۴ را فراموش نخواهیم کرد. حقیقت تلخی را که وقتی قسمتهایی از اروپا را آزاد می کردند، تعداد بسیار زیادی یهودی هنوز در اطاق های گاز آلمان کشته می شدند.

من به عنوان کنسول اسرائیل می توانم به شما بگویم وقتی ما سوگند میخوریم که «دیگر هرگز» بسیار جدی هستیم.

دیگر هرگز یهودیان با سوال موجودیتی رهایی یا نابودی روبرو نخواهند شد. اسرائیل هرگز به حکومت های افراطی اجازه نخواهد داد که امکاناتی بدست آورند تا ما را نابود کنند. و ما می دانیم که هشیاری و احتیاط، هزینه ایست که ما برای آزادی می پردازیم.

همچنان که به امیدواری برای صلح ادامه می دهیم، تکنولوژی، اختراعات و اکتشافاتمان را با مردم دنیا به اشتراک می گذاریم، و امیدواریم بیشتر و بیشتر با مردم خاور میانه و در آینده با مردم ایران هم شریک شویم.

ما هرگز درسهای هالوکاست، را فراموش نخواهیم کرد، اهمیت دشمن و اهمیت هشیاری را.

یهودیان نباید بار دیگر با این سوال روبرو شوند که به کدام زودتر می رسد، رهایی یا نابودی؟ زیرا امروز ما آزاد هستیم. آزادیمان را جشن می گیریم. در این مملکت، در اطراف دنیا و یقیناً در کشور اسرائیل.

کشور مدرن اسرائیل ضامن این آزادیست. ما از این آزادی محافظت می کنیم. نگهبانی می کنیم و آنرا برای همه یهودیان در همه جا و هر زمان به امانت نگه می داریم.